



دانشگاه گورگان
فصلنامه علمی کشاورزی و منابع طبیعی گورگان

نشریه کارآفرینی در کشاورزی

جلد چهارم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۶

<http://jead.gau.ac.ir>

DOI: 10.22069/JEAD.2018.13865.1282

بررسی موانع توسعه کارآفرینی در شرکتهای خدمات مشاوره‌ای، فنی و مهندسی استان اصفهان از دیدگاه اعضا

*حسام‌الدین غلامی^۱ و احسان قلی‌فر^۲

^۱استادیار سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، تهران، ایران،

^۲دانش‌آموخته دکتری گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه تربیت مدرس

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۵/۳۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۰/۲۱

چکیده

تأسیس شرکتهای خدمات مشاوره‌ای، فنی و مهندسی کشاورزی یکی از راهکارهای توسعه بخش کشاورزی و ایجاد فرصت‌های اشتغال برای دانش‌آموختگان کشاورزی است، اما پایداری اقتصادی این شرکت‌ها و ارائه خدمات با کیفیت به کشاورزان مستلزم وجود رقابت‌پذیری در این بنگاه‌هاست و این مسأله توسعه نوآوری و کارآفرینی را در آنها ضروری می‌سازد. پژوهش حاضر با هدف بررسی موانع توسعه کارآفرینی شرکتهای خدمات مشاوره‌ای، فنی و مهندسی استان اصفهان انجام گرفت. جامعه آماری این پژوهش اعضای شرکتهای خدمات مشاوره فنی و مهندسی استان اصفهان بودند ($N=500$) که به‌منظور تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شد و در نهایت ۱۰۲ نفر انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه‌ای بود که روایی صوری آن به وسیله متخصصان تأیید شد و برای بررسی پایایی آن آلفای کرونباخ محاسبه شد ($\alpha=0/89$). اولویت‌بندی موانع توسعه کارآفرینی از دیدگاه پاسخگویان نشان داد بی‌ثباتی سیاست‌های کشور در بخش کشاورزی، مقررات دست و پاگیر اخذ وام‌های بانکی، کمبود نقدینگی و نداشتن سرمایه کافی، عدم وجود امنیت برای سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی و بهای ندادن به بخش کشاورزی مهم‌ترین موانع توسعه کارآفرینی در این شرکت‌ها هستند. تحلیل عاملی اکتشافی، متغیرهای موانع توسعه کارآفرینی را در هفت عامل آموزشی، محیط کسب و کار، مسائل مربوط به پهنه‌بندی، مسائل خاص بخش کشاورزی، مسائل مربوط به سازمان‌های نظارت‌کننده و مسائل مربوط به اعضاء دسته‌بندی کرد.

واژه‌های کلیدی: شرکتهای خدمات مشاوره‌ای فنی و مهندسی کشاورزی، موانع، توسعه کارآفرینی، اصفهان، دانش‌آموختگان کشاورزی

*مسئول مکاتبه: hagholami@ut.ac.ir

مقدمه

بخش کشاورزی نقش به‌سزایی در تولید ناخالص داخلی داشته (احمدپور داریانی، ۱۳۹۰) و افراد زیادی در آن مشغول به کار هستند. بر خلاف کشاورزی تجاری، کشاورزی معیشتی در کشورهای در حال توسعه نماد فقر است و با این‌که جمعیت بسیار زیادی به آن مشغول هستند، اما سهم آنان از منابع تولید در مقایسه با افراد شاغل در کشاورزی تجاری ناچیز است. چنین افرادی فاقد فناوری، سرمایه و آموزش برای به حداکثر رسانیدن بهره‌برداری از منابع کشاورزی در دسترس‌شان هستند. این قشر از کشاورزان به مخاطبان رایج دولت برای برنامه‌های نوسازی تبدیل شده‌اند. این برنامه‌ها علاوه بر پیشرفت در زیرساخت‌های فیزیکی و انتقال دانش فنی، به ارتقای مهارت و انگیزه و بهبود پشتیبانی و مشاوره نیز می‌پردازد (Rosa et al., 1997). در این زمینه، یکی از مهمترین برنامه‌هایی که به‌منظور بهبود کمی و کیفی تولیدات کشاورزی و سوق دادن کشاورزی معیشتی به سمت کشاورزی نوین و تجاری صورت گرفته است، راه‌اندازی شبکه خدمات مشاوره‌ای، فنی و مهندسی کشاورزی در سطح کشور است که به‌طور جدی از نیمه دوم دهه ۱۳۸۰ با حمایت وزارت جهاد کشاورزی شروع شد (Hashemi and Hedjazi, 2011). ایجاد زمینه کارآفرینی و اشتغال برای دانش‌آموختگان دانشگاهی، ارتقای سطح بهره‌وری تولیدات کشاورزی، بهره‌مندی هر چه بیشتر کشاورزان از علوم و فناوری‌های جدید کشاورزی، ایجاد تحول در ترویج یافته‌های علمی، رایج خدمات متناسب با نیاز کشاورزان، گسترش پوشش خدمات ترویج کشاورزی و افزایش توان پاسخگویی دولت به بهره‌برداران و تولیدکنندگان بخش کشاورزی برخی از مهمترین اهداف تشکیل شرکت‌های خدمات مشاوره‌ای، فنی و مهندسی کشاورزی هستند (وزارت جهاد کشاورزی، ۱۳۸۶؛ Hashemi and Hedjazi,

2011). شرکت‌های خدمات مشاوره‌ای، فنی و مهندسی نقش مهمی در توسعه کشاورزی و روستایی در سطح کشور دارند بنابراین توسعه کارآفرینی در این شرکت‌ها می‌تواند سبب رشد و توسعه بخش کشاورزی شود (احمدپور داریانی و همکاران، ۱۳۹۰). از سوی دیگر پایداری این شرکت‌ها با چالش‌هایی همراه است (غلامی و همکاران، ۱۳۹۱). به‌طور کلی بررسی‌ها نشانگر شکست بسیاری از کسب و کارهای کوچک در سال‌های ابتدایی پس از تأسیس است (پارساپور و همکاران، ۱۳۹۶) و به‌طور خاص درباره این شرکت‌ها ممکن است دانش‌آموختگان شاغل در آنها قابلیت‌ها و صلاحیت‌های علمی و عملی لازم را در زمینه کسب و کار نداشته باشند (Rasouliazar et al., 2011). همچنین به‌منظور بهبود سطح کیفیت خدمات و جلب رضایت و استقبال بیشتر روستائیان، توسعه کارآفرینی در این شرکت‌ها ضروری به‌نظر می‌رسد (رضایی و همکاران، ۱۳۹۰).

در مجموع می‌توان گفت کارآفرینی از مزایای متعددی برای شرکت‌های خصوصی فعال در حوزه کشاورزی و همچنین کشاورزان و روستائیان به‌عنوان مخاطبان اصلی این شرکت‌ها برخوردار است، زیرا کارآفرینی از طریق رقابت باعث می‌شود این شرکت‌ها به نیازهای در حال تغییر کشاورزان توجه بیشتری نشان دهند و تعهد و احترام بیشتری در ارائه خدمات خود به کشاورزان داشته باشند (Hughes, 2003). همان‌طور که حالت (۲۰۰۲) اشاره می‌نماید کارآفرینی در کنار زمین، نیروی کار و سرمایه، یکی از چهار عامل جریان اصلی اقتصادی محسوب می‌شود. کارآفرینی تلاش برای ایجاد ارزش از طریق به رسمیت شناختن فرصت کسب‌وکار، مدیریت ریسک، مصرف متناسب با فرصت و مهارت‌های ارتباطی مدیریتی برای بسیج منابع انسانی، مالی و مادی برای به ثمر رساندن یک پروژه یا فرآیند شروع یک کسب و کار است (Thornberry, 2002). هر جامعه و هر

شرکت موفق‌ی نیازمند افراد کلیدی به‌عنوان کارآفرینان، با توانایی شناسایی فرصت‌ها و توانایی به دست آوردن منابع (اقتصادی، فنی و انسانی) برای برآوردن نیازهای موجود و نیازهای جدید است (Hansemark, 1998).

با توجه به اهمیت توسعه کارآفرینی در شرکت‌های خدمات مشاوره‌ای، فنی و مهندسی، هدف این پژوهش شناسایی و اولویت‌بندی موانع توسعه کارآفرینی در این شرکت‌ها در استان اصفهان است.

پیشینه تحقیق

Shurry, et al., (2001) مشکلات دستیابی به منابع مالی مورد نیاز کارآفرینان را از موانع توسعه کارآفرینی بیان نموده‌اند. (Michaelis, et al., 2001) در پژوهش خود قوانین و مقررات اداری و دولتی و قوانین مالیاتی را مانع توسعه کارآفرینی در نظر گرفته‌اند. در مطالعه دیگری، موانع توسعه کارآفرینی در شرکت‌های تجاری کوچک کشاورزی در قالب ۴ دسته تقسیم‌بندی شده‌اند: (۱) موانع مدیریتی: بی‌کفایتی مدیران که ممکن است ناشی از کمبودهای مهارتی باشد و مهارت‌های مدیران (مهارت‌های فنی، شیوه مدیریت، مهارت‌های کارآفرینی، مهارت‌های ارتباطی و مهارت‌های شخصی) در سطح پایینی از سلسله مراتب سبک مدیریت کارآفرینانه باشد که این موانع را می‌توان با تشکیل تیم‌های مدیریت در کسب و کار اصلاح کرد. (۲) موانع بازاریابی: کم توجهی، ناتوانی و کمبود مهارت در بازاریابی چه به لحاظ محصولات تولیدی و چه به لحاظ ارائه خدمات فنی و مشاوره‌ای و همچنین رقابت با رقبای، از مهمترین موانع رشد کارآفرینی در شرکت‌های تجاری کشاورزی به‌ویژه در مراحل آغازین فعالیت این شرکت‌ها می‌باشد. (۳) موانع تولید: شرکت‌های تجاری کشاورزی کوچک در ابتدای فعالیت خود معمولاً با مشکلات عدیده‌ای در زمینه تولید محصولات قابل عرضه به بازار و همچنین ارائه خدمات مشاوره‌ای و تخصصی با توجه به نیاز

روستاییان و کشاورزان در بخش‌های مختلف از تولید تا مصرف مواجه‌اند که این نگرانی‌ها اغلب نیاز به ملاحظات جدی در رابطه با پیش‌بینی برنامه تولید به منظور ارائه کیفیت بالا و محصولات قابل ارائه در بازار است. موفقیت و عدم موفقیت این شرکت‌ها بستگی زیادی به میزان رضایت کشاورزان از کمیت و کیفیت خدمات و محصولات عرضه شده دارد. (۴) محدودیت‌های مالی: بی‌میلی کارآفرینان برای سرمایه‌گذاری در مناطق روستایی، مقررات سخت‌گیرانه دولت در اخذ وام بانکی، عدم وجود امنیت برای سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی، نداشتن سرمایه کافی اعضاء از موانع رشد کارآفرینی در شرکت‌های تجاری کشاورزی کوچک است (Escalante and Turvey, 2006).

بی‌ثباتی سیاست‌های اقتصادی، بی‌ثباتی اقتصادی در سیستم مالی شرکت‌ها، روحیه ریسک‌پذیری پایین در اعضای شرکت‌ها، نوسانات اقتصاد خرد و کلان در دولت، کمبود نقدینگی و نداشتن سرمایه کافی و کمبود پشتیبان در این زمینه، مدرک‌گرایی دانشگاه‌ها به جای توجه بیشتر به مهارت‌گرایی، کمبود متخصص کارآفرین جهت آموزش به دانش‌آموختگان و اعضای شرکت‌ها، نبود استانداردهای مشخص در نظارت شرکت‌ها، نوسانات شدید قیمت‌ها در بخش‌های مختلف که مانع تصمیم‌گیری منطقی در شرکت‌ها می‌شود، بالا بودن تورم در اکثر کشورها که باعث کاهش قدرت ریسک اعضاء در سرمایه‌گذاری می‌شود، سختی تشکیل تیم برای راه‌اندازی واحدهای کسب‌وکار که از نظر مالی، روحیه، اخلاق و .. همگن باشند، از دیگر مواردی هستند که در تحقیقات مختلف به عنوان موانع توسعه کارآفرینی در شرکت‌های کسب‌وکار کوچک و تازه تأسیس بیان شده‌اند (Fogel et al., 2005; Acemoglu et al., 2003; Di Gregorio and Shane, 2002).

همکاران (۱۳۹۰) در بررسی موانع کارآفرینی شرکتی در شرکت‌های خدمات مشاوره‌ای، فنی و مهندسی استان زنجان نشان داده است که این موانع در پنج عامل ساختاری، محیطی، روان شناختی، مهارتی و آموزشی جای می‌گیرند.

مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر، از لحاظ هدف تحقیق کاربردی، از نظر درجه نظارت و کنترل از نوع میدانی و به لحاظ تجزیه و تحلیل داده‌ها از نوع توصیفی است. ابزار جمع‌آوری اطلاعات، پرسشنامه‌ای محقق ساخته براساس مبانی نظری مستخرج از منابع کتابخانه‌ای بود. با توجه به فقدان مطالعات قبلی درباره کارآفرینی در شرکت‌های خدمات مشاوره‌ای، فنی و مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی از تجارب عینی و مصاحبه با مدیران عامل یا کارشناسان شرکت‌های خدمات مشاوره، فنی و مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی در مرحله توسعه پرسشنامه استفاده شد. روایی صوری با نظرخواهی از اساتید، متخصصان تأیید شد و به منظور تعیین پایایی از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شد. مقیاس‌های اندازه‌گیری به صورت طیف لیکرت طراحی شده بود (کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم). پایایی مقیاس راهکارهای توسعه کارآفرینی (شامل ۲۶ گویه)، ۰/۸۷ تعیین گردید. جامعه آماری تحقیق شامل تمامی اعضای شرکت‌های خدمات مشاوره‌ای، فنی و مهندسی کشاورزی در استان اصفهان بود (N=500) که بر اساس فرمول کوکران، تعداد ۱۰۲ نفر از آنان برای انجام تحقیق انتخاب شدند. لازم به ذکر است که بر اساس آمار موجود در زمان انجام تحقیق حاضر (سال ۱۳۸۸) در حدود ۱۰۰ شرکت در سطح شهرستان‌های مختلف استان اصفهان بود. روش نمونه‌گیری تحقیق به صورت نمونه‌گیری دو مرحله‌ای بود، به این ترتیب که با توجه به محدودیت‌های تحقیق و پراکندگی شرکت‌ها در سطح استان، ابتدا تعداد

نتایج پژوهش رضائی و همکاران (۱۳۹۰) در بررسی موانع توسعه کارآفرینی در تعاونی‌های دهیاری استان زنجان نشان داد از دیدگاه پاسخگویان موانع توسعه کارآفرینی در تعاونی‌های دهیاری در چهار عامل ساختاری، زمینه‌ای، روانشناختی و فردی- حرفه‌ای قرار می‌گیرند. بر اساس نتایج شادمانی و کرمی (۱۳۸۹) در بررسی موانع کارآفرینی در پنج شرکت‌های دولتی، مهمترین موانع کارآفرینی در پنج دسته موانع ساختاری، نگرش مدیران، عدم وجود فرهنگ سازمانی کارآفرینانه، شیوه‌های نادرست پاداش و حقوق و مسایل آموزشی به ویژه نبود آموزش‌های کارآفرینی قرار گرفته‌اند. در پژوهش صادق‌نژاد (۱۳۸۸) با عنوان اندازه‌گیری میزان کارآفرینی و بررسی موانع آن در شرکت مپنا، با توجه به یافته‌های تحقیق، عواملی همچون عدم حمایت مدیریت از کارآفرینی شرکتی، نبود سیستم‌های تشویقی و انگیزشی مناسب و بسته بودن مرزهای سازمانی و ارتباطات برون سازمانی ضعیف، از مهمترین موانع توسعه کارآفرینی شرکتی در شرکت مپنا بودند. در مطالعه دیگری در خصوص تحلیل موانع توسعه کارآفرینی در واحدهای تولیدی گلخانه‌ای در ایران، مرادزادی و همکاران (۱۳۸۶) عوامل سیاست‌گذاری، اقتصادی، پشتیبانی، آموزشی، زیرساختی و فرهنگی را به عنوان عمده‌ترین موانع توسعه کارآفرینی در واحدهای تولیدی گلخانه‌ای در ایران در نظر گرفتند. نتایج احمدپور داریانی و همکاران (۱۳۹۰) نشان داد که حمایت دولت از شرکت‌های خدمات مشاوره‌ای و برگزاری دوره‌های آموزشی در زمینه مهارت‌های کارآفرینی بالاترین اولویت را برای توسعه کارآفرینی داشته است همچنین عامل‌های مؤثر بر توسعه کارآفرینی در شرکت‌های خدمات مشاوره‌ای فنی مهندسی کشاورزی در شش دسته عوامل آموزشی، حمایتی، ارتباطی، مدیریتی، مهارت کسب و کار و سیاست‌گذاری خلاصه می‌شود. نتایج رضایی و

اولویت‌بندی موانع توسعه کارآفرینی از دیدگاه اعضای شرکت‌های خدمات فنی و مشاوره‌ای: در رابطه با اولویت‌بندی موانع توسعه کارآفرینی از دیدگاه اعضای شرکت‌های خدمات فنی و مشاوره‌ای نتایج تحقیق در جدول (۲) نشان داد که گویه‌های «بی‌ثباتی در سیاست‌های بخش کشاورزی»، «مقررات دست و پاگیر اخذ وام‌های بانکی»، «کمبود نقدینگی و نداشتن سرمایه کافی»، «عدم وجود امنیت برای سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی» و «بها ندادن به بخش کشاورزی» به ترتیب در بالاترین اولویت‌ها و گویه‌های «عدم همگنی اعضا از نظر جنسیت»، «وجود پهنه‌بندی»^۱، «عدم برگزاری نمایشگاه‌های مرتبط با کارآفرینی»، «عدم انتخاب مناسب اعضا» و «تغییرات مکرر در پهنه‌ها» در پایین‌ترین اولویت‌ها قرار داشتند. نکته‌ای که وجود دارد این است که علیرغم تفاوت نسبی اهمیت گویه‌ها همه آنها اهمیتی بالاتر از میانگین طیف (یعنی ۳) و اغلب میانگینی بالاتر از حد زیاد (۴) داشتند. «همچنین گویه‌های «بی‌ثباتی در سیاست‌های کشور در مورد بخش کشاورزی»، «مقررات دست و پاگیر اخذ وام‌های بانکی»، «عدم حمایت بانک‌ها و موسسات مالی از شرکت‌ها»، «بهره بالای وام‌های بانکی»، «ضعف خدمات مشاوره‌ای در زمینه‌های تخصصی»، «محدودیت‌های قانون کار»، «عدم تناسب دروس دانشگاهی با نیازهای بازار کار»، «ضعف نظام بیمه محصولات کشاورزی»، «عدم تعیین تعرفه‌های مناسب خدمات از سوی نظام مهندسی نسبت به دیگر بخش‌ها»، «دخالت کارمندان جهاد کشاورزی در امور شرکت‌ها» «نوسانات قیمت در بخش کشاورزی»،

۱- منظور از پهنه‌بندی «عبارت است از تعیین حیطه عمل و استقرار متناسب شرکت‌های خدمات مشاوره‌ای، فنی و مهندسی کشاورزی بر اساس ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های منطقه‌ای و با در نظر گرفتن عوامل مؤثر نظیر سطوح زیرکشت، تعداد واحدهای دامی و سایر موارد» (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۸۷).

۸ شهرستان از مجموع ۲۵ شهرستان استان اصفهان انتخاب شدند. در مرحله بعد، با توجه به اینکه تعداد شرکت‌ها در ۸ شهرستان انتخاب شده متفاوت بود، از این‌رو، در این مرحله با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای با انتساب متناسب، تعداد مناسبی از نمونه‌ها به هر یک از شهرستان‌های مورد مطالعه اختصاص یافت. در وهله بعد، با مراجعه به چارچوب نمونه، تعداد پاسخگویان موردنظر در هر یک از طبقات به صورت تصادفی انتخاب شده و سپس با مساعدت سازمان نظام مهندسی استان اصفهان و مدیریت کشاورزی شهرستان‌ها به گردآوری داده‌های مورد نیاز از طریق تکمیل پرسشنامه‌ها مبادرت به عمل آمد. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت و برای تجزیه و تحلیل اطلاعات حاصل از تحقیق از آماره‌های توصیفی نظیر فراوانی، درصد، میانگین و ضریب تغییرات و آماره‌های استنباطی مانند تحلیل عاملی استفاده گردید.

یافته‌ها

۱- ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای پاسخگویان
نتایج حاصل از تحقیق در رابطه با ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای نشان داد که مردان ۵۴/۷ درصد و زنان ۴۵/۳ از پاسخگویان را تشکیل می‌دادند. میانگین سنی پاسخگویان ۲۸/۸ سال و اکثر آنها (۵۴/۹ درصد) به گروه سنی ۲۵ تا ۳۰ سال تعلق داشتند. اغلب پاسخگویان (۲۰/۶ درصد) از شهرستان اصفهان بودند. سطح تحصیلات بیشتر اعضای شرکت‌ها (۹۴/۱ درصد)، لیسانس و بیشترین فراوانی از نظر رشته تحصیلی مربوط به رشته زراعت و اصلاح نباتات (۳۹/۲ درصد) بود. قبل از تأسیس شرکت‌ها ۴۲/۶ درصد از اعضا سابقه خوداشتغالی داشته‌اند و میزان آشنایی اغلب پاسخگویان (۵۶/۹ درصد) با اصول و مفاهیم کارآفرینی در سطح متوسط بوده است. همچنین میانگین سابقه شرکت‌های خدمات مشاوره‌ای ۳/۰۹ سال بود (جدول (۱)).

«عدم رعایت عدالت در واگذاری پهنه‌ها» و «ضعف
تشکل‌ها و اتحادیه‌های مرتبط با شرکت‌های خدمات

مشاوره‌ای» میانگین بالاتر از ۴ دارند و می‌توان گفت
از دید پاسخ‌گوین دست کم اهمیتی در حد زیاد دارند.

جدول ۱- توزیع فراوانی پاسخگویان از نظر ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای.

متغیر	فراوانی	درصد معتبر	نما
جنسیت	مرد	۵۴/۷	مرد
	زن	۴۵/۳	
گروه‌های سنی	۲۰ تا ۲۵	۱۹/۶	
	۲۵ تا ۳۰	۵۴/۹	۲۵ تا ۳۰ سال
	۳۰ تا ۳۵	۲۰/۶	
	بالای ۳۵	۴/۹	
	اصفهان	۲۰/۶	
	شهرستان	۱۹/۶	
مدرک تحصیلی	اصفهان	۷	
	شاهین شهر	۱۹	
	خوانسار	۵	
	اردستان	۷	
	آران و بیدگل	۱۴	
	دهاقان	۹	
	فوق دیپلم	۲	
	لیسانس	۹۶	لیسانس
	فوق لیسانس	۴	
	ترویج	۶	
باغبانی	۲۵		
رشته تحصیلی	گیاه پزشکی	۸	
	زراعت و اصلاح نباتات	۴۰	زراعت و اصلاح نباتات
	خاکشناسی	۱	نباتات
	علوم دامی	۱۱	
	ماشین آلات	۴	
سابقه خوداشتغالی	صنایع غذایی	۲	
	بلی	۴۳	
	خیر	۵۹	فاقد سابقه
	۱ تا ۲	۲۳	
سابقه شرکت	۲ تا ۴	۷۰	۲ تا ۴ سال
	بالای ۴	۹	
	خیلی کم	۵	
	کم	۲۲	
	متوسط	۵۸	متوسط
آشنایی با اصول و مفاهیم کارآفرینی	زیاد	۱۷	
	جمع کل	۱۰۰	

جدول ۲- اولویت‌بندی موانع توسعه کارآفرینی از دیدگاه اعضای شرکت‌های خدمات فنی و مشاوره‌ای.

اولویت	موانع مورد مطالعه	میانگین	انحراف معیار	ضریب تغییرات
۱	بی‌ثباتی در سیاست‌های کشور در مورد بخش کشاورزی	۴/۵۳	۰/۷۰۵	۰/۱۵۵
۲	مقررات دست و پاگیر اخذ وام‌های بانکی	۴/۵۲	۰/۸۳۷	۰/۱۸۵
۳	کمبود نقدینگی و نداشتن سرمایه کافی	۴/۵۱	۰/۸۷۶	۰/۱۹۴
۴	عدم وجود امنیت برای سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی	۴/۳۷	۰/۸۵۵	۰/۱۹۵
۵	بها ندادن به بخش کشاورزی	۴/۳۷	۰/۸۷۰	۰/۱۹۹
۶	محدودیت‌های قانون کار	۴/۱۷	۰/۸۳۵	۰/۲۰۰
۷	عدم حمایت بانک‌ها و موسسات مالی از شرکت‌ها	۴/۳۹	۰/۸۷۹	۰/۲۰۰
۸	بهره بالای وام‌های بانکی	۴/۳۴	۰/۹۱۹	۰/۲۱۱
۹	ضعف خدمات مشاوره‌ای در زمینه‌های تخصصی	۴/۲۰	۰/۸۹۲	۰/۲۱۲
۱۰	عدم تناسب دروس دانشگاهی با نیازهای بازار کار	۴/۱۷	۰/۹۰۲	۰/۲۱۶
۱۱	ضعف نظام بیمه محصولات کشاورزی	۴/۱۵	۰/۹۴۵	۰/۲۲۷
۱۲	ضعف تشکل‌ها و اتحادیه‌های مرتبط با شرکت‌های خدمات مشاوره‌ای	۴/۰۱	۰/۹۱۹	۰/۲۲۹
۱۳	نحوه نظارت کارشناسان جهاد کشاورزی	۳/۹۷	۰/۹۱۸	۰/۲۳۱
۱۴	ضعف ارتباط بخش کشاورزی با دانشگاه‌ها	۳/۸۶	۰/۹۱۹	۰/۲۳۸
۱۵	نبود آموزش‌های مهارت‌های کارآفرینانه	۳/۹۲	۰/۹۳۷	۰/۲۳۹
۱۶	نوسانات قیمت در بخش کشاورزی	۴/۰۷	۰/۹۹۲	۰/۲۴۳
۱۷	عدم تعیین تعرفه‌های مناسب خدمات از سوی نظام مهندسی نسبت به دیگر بخش‌ها	۴/۱۲	۱/۰۴۳	۰/۲۵۳
۱۸	دخالت کارمندان جهاد کشاورزی در امور شرکت‌ها	۴/۱۱	۱/۰۵۹	۰/۲۵۷
۱۹	عدم تفاهم و همدلی اعضای شرکت‌ها	۳/۷۸	۱/۰۳۳	۰/۲۷۳
۲۰	عدم رعایت عدالت در واگذاری پهنه‌ها	۴/۰۴	۱/۱۰۴	۰/۲۷۳
۲۱	پایین بودن سطح دانش و مهارت شغلی فارغ‌التحصیلان کشاورزی	۳/۷۸	۱/۰۵۳	۰/۲۷۸
۲۲	تغییرات مکرر در پهنه‌ها	۳/۹۷	۱/۱۲۸	۰/۲۸۴
۲۳	عدم انتخاب مناسب اعضا	۳/۶۵	۱/۰۵۱	۰/۲۸۷
۲۴	عدم برگزاری نمایشگاه‌های مرتبط با کارآفرینی	۳/۴۶	۱/۰۱۹	۰/۲۹۴
۲۵	وجود پهنه‌بندی	۳/۷۰	۱/۲۴۹	۰/۳۳۷
۲۶	عدم همگنی اعضا از نظر جنسیت (همه یا مرد باشند یا زن)	۳/۰۸	۱/۲۰۹	۰/۳۹۲

درصد قرار دارد و حاکی از مناسب بودن همبستگی متغیرهای وارد شده برای تحلیل عاملی است. به منظور دسته‌بندی عامل‌ها، از معیار مقدار ویژه استفاده شد و عامل‌هایی مدنظر بود که مقدار ویژه آن‌ها از یک بزرگتر باشد. عامل‌های استخراج شده همراه با مقدار ویژه، درصد واریانس و درصد واریانس جمع‌می‌آنها به شرح جدول (۳) می‌باشند.

تحلیل عاملی موانع توسعه کارآفرینی در شرکت‌های خدمات مشاوره‌ای: به‌منظور شناسایی سازه‌هایی پنهانی که متغیرهای مورد بررسی تشکیل می‌دادند از تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد. براساس یافته‌های حاصل از تحلیل عاملی اکتشافی «موانع توسعه کارآفرینی در شرکت‌های خدمات مشاوره‌ای» مقدار KMO برابر است با $۰/۸۳۸$ و مقدار بارتلت آن $۱۲۷۳/۷۸۶$ ، که در سطح معنی‌داری ۹۹

جدول ۳- عامل‌های استخراج شده همراه با مقدار ویژه، درصد واریانس و درصد واریانس تجمعی آنها

عامل‌ها	مقدار ویژه	درصد واریانس مقدار ویژه	فراوانی تجمعی درصد واریانس
اول	۳/۵۹۴	۱۴/۹۷۶	۱۴/۹۷۶
دوم	۳/۳۰۴	۱۳/۷۶۸	۲۸/۷۴۴
سوم	۲/۸۸۲	۱۲/۰۰۹	۴۰/۷۵۳
چهارم	۲/۷۶۵	۱۱/۵۲۲	۵۲/۲۷۵
پنجم	۲/۶۵۸	۱۱/۰۷۴	۶۳/۳۴۹
ششم	۲/۲۶۵	۹/۴۳۷	۷۲/۷۸۶

براساس یافته‌های حاصل از جدول (۳) عامل اول با مقدار ویژه ۳/۵۹۴ تبیین‌کننده ۱۴/۹۷۶ واریانس کل بود. عامل دوم با مقدار ویژه ۳/۳۰۴، تبیین‌کننده ۱۳/۷۶۸ از واریانس کل بود. به طور کلی، شش عامل فوق در مجموع ۷۲/۷۸۶ درصد از کل واریانس را تبیین کردند که نشان‌دهنده درصد بالای واریانس تبیین شده توسط این عامل‌ها بود. بعد از چرخش

عاملی به روش وریماکس ساختار عاملی به دست آمده برای متغیرهای دارای بار عاملی بالاتر از ۰/۵ به شرح جدول (۴) است. پس از چرخش (وریماکس) دو متغیر به علت پایین بودن بار عاملی (کمتر از ۰/۵) و در نتیجه معنی‌دار نبودن همبستگی آنها با دیگر متغیرها، از تحلیل حذف شدند.

جدول ۴- متغیرهای مربوط به هر یک از عامل‌ها و میزان ضرایب به دست آمده از ماتریس دوران یافته.

نام عامل	متغیرها	بار عاملی
آموزشی	ضعف خدمات مشاوره‌ای در زمینه‌های تخصصی	۰/۷۵۴
	نبود آموزش‌های مهارت‌های کارآفرینانه	۰/۷۴۰
	عدم تناسب دروس دانشگاهی با نیازهای بازار کار	۰/۶۱۵
	پایین بودن سطح دانش و مهارت شغلی فارغ‌التحصیلان کشاورزی	۰/۵۸۵
	ضعف ارتباط بخش کشاورزی با دانشگاه‌ها	۰/۶۳۷
محیط کسب و کار	مقررات دست و پاگیر اخذ وام‌های بانکی	۰/۷۳۱
	ضعف نظام بیمه محصولات کشاورزی	۰/۶۳۳
	محدودیت‌های قانون کار	۰/۶۵۹
	کمبود نقدینگی و نداشتن سرمایه کافی	۰/۶۸۹
مسائل مربوط به پهنه‌بندی	عدم حمایت بانک‌ها و موسسات مالی از شرکت‌ها	۰/۷۹۵
	بهره بالای وام‌های بانکی	۰/۵۱۴
	وجود پهنه‌بندی	۰/۸۳۷
	عدم رعایت عدالت در واگذاری پهنه‌ها	۰/۸۵۴
مسائل خاص بخش کشاورزی	تغییرات مکرر در پهنه‌ها	۰/۷۶۲
	عدم وجود امنیت برای سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی	۰/۷۷۴
	بی‌ثباتی در سیاست‌های کشور در مورد بخش کشاورزی	۰/۷۲۵
مسائل مربوط به سازمان‌های نظارت‌کننده	نوسانات قیمت در بخش کشاورزی	۰/۶۳۷
	بهاء ندادن به بخش کشاورزی	۰/۵۴۶
	نحوه نظارت کارشناسان جهاد کشاورزی	۰/۶۴۱
	دخالت کارمندان جهاد کشاورزی در امور شرکت‌ها	۰/۶۶۸
مسائل مربوط به اعضا	عدم تعیین تعرفه‌های مناسب خدمات از سوی نظام مهندسی نسبت به دیگر بخش‌ها	۰/۶۳۷
	عدم انتخاب مناسب اعضا	۰/۶۸۶
	عدم همگنی اعضا از نظر جنسیت (همه یا مرد یا زن نیستند)	۰/۵۶۷
	عدم تفاهم و همدلی اعضای شرکت‌ها	۰/۸۸۰

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

بر اساس یافته‌ها میزان آشنایی اغلب اعضای شرکت‌ها یعنی بیش از نیم از آنها با اصول و مفاهیم کارآفرینی در سطح متوسط بود و حدود یک چهارم از آنان نیز آشنایی در حد خیلی کم و کم داشته‌اند. همچنین سابقه فعالیت اکثر شرکت‌ها و تجربه قبلی اعضاء در زمینه کسب و کار چندان زیاد نیست.

بر اساس اولویت‌بندی موانع توسعه کارآفرینی در شرکت‌های خدمات مشاوره‌ای، فنی و مهندسی کشاورزی در استان اصفهان بر اساس ضریب تغییرات گویه‌های «بی‌ثباتی در سیاست‌های بخش کشاورزی»، «مقررات دست و پاگیر اخذ وام‌های بانکی»، «کمبود نقدینگی و نداشتن سرمایه کافی»، «عدم وجود امنیت برای سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی» و «بها ندادن به بخش کشاورزی» به ترتیب در بالاترین اولویت‌ها قرار گرفتند.

نکته‌ای که وجود دارد این است که علیرغم تفاوت نسبی اهمیت گویه‌ها همه آنها اهمیتی بالاتر از میانگین طیف (یعنی ۳) و اغلب میانگینی بالاتر از حد زیاد (۴) داشتند.

همچنین گویه‌های، «عدم حمایت بانک‌ها و موسسات مالی از شرکت‌ها»، «بهره بالای وام‌های بانکی»، «ضعف خدمات مشاوره‌ای در زمینه‌های تخصصی»، «محدودیت‌های قانون کار»، «عدم تناسب دروس دانشگاهی با نیازهای بازار کار»، «ضعف نظام بیمه محصولات کشاورزی»، «عدم تعیین تعرفه‌های مناسب خدمات از سوی نظام مهندسی نسبت به دیگر بخش‌ها»، «دخالت کارمندان جهاد کشاورزی در امور شرکت‌ها»، «نوسانات قیمت در بخش کشاورزی»، «عدم رعایت عدالت در واگذاری پهنه‌ها» و «ضعف تشکل‌ها و اتحادیه‌های مرتبط با شرکت‌های خدمات مشاوره‌ای» میانگین بالاتر از ۴ داشتند و می‌توان گفت

از دید پاسخ‌گوین دست کم اهمیتی در حد زیاد داشتند.

در بین این گویه‌های با میانگین بالا، گویه‌های «عدم تعیین تعرفه‌های مناسب خدمات از سوی نظام مهندسی نسبت به دیگر بخش‌ها»، «دخالت کارمندان جهاد کشاورزی در امور شرکت‌ها»، «عدم رعایت عدالت در واگذاری پهنه‌ها» انحراف معیار بالاتری داشتند. دلیل انحراف معیار بالاتر در دو گویه مرتبط با دخالت کارمندان در امور شرکت‌ها و پهنه‌بندی به این دلیل است که مدیریت جهاد کشاورزی شهرستان‌ها در این زمینه‌ها متفاوت عملکرد یکسانی نداشته‌اند بنابراین علیرغم اهمیت این دو مورد پاسخ‌گویان شهرستان‌های مختلف در این زمینه‌ها توافق کم‌تری داشته‌اند. به عبارت دیگر اهمیت نسبی این موارد در شهرستان‌های مختلف متفاوت است.

در مجموع بر اساس یافته‌های تحلیل عاملی موانع توسعه کارآفرینی در شرکت‌های خدمات مشاوره‌ای، فنی و مهندسی کشاورزی در استان اصفهان در شش عامل آموزشی، محیط کسب و کار، مسائل مربوط به پهنه‌بندی، مسائل خاص کشاورزی، مسائل مربوط به سازمان‌های نظارت‌کننده، مسایل مربوط به اعضاء، قرار گرفت و ۷۲/۷۸۶ درصد از واریانس کل موانع توسعه کارآفرینی را تبیین کرد. بر اساس درصد واریانس تبیین شده، عوامل آموزشی و محیط کسب و کار نسبت به دیگر عوامل اهمیت بیشتری داشتند. در بین عوامل، عامل آموزشی بیشترین درصد واریانس را تبیین کرد. این مسأله با نتایج تحقیق مرادنزادی و همکاران (۱۳۸۷) در گزارش عامل آموزشی به عنوان یکی از موانع توسعه کارآفرینی در واحدهای تولیدی گلخانه‌ای در ایران مطابقت دارد. همچنین نتایج احمدپورداریانی و همکاران (۱۳۹۰) نیز به عنوان

موانع محیطی دسته‌بندی کرده است. احمدپورداریانی و همکاران (۱۳۹۰) نیز متغیرهای حمایت دولت از شرکت‌های خدمات مشاوره‌ای و حمایت بانک و موسسات اعتباری از شرکت‌ها را در ذیل عامل حمایتی و متغیرهای سیاست‌گذاری مناسب در زمینه افزایش ثبات و کاهش نوسان در بخش کشاورزی را با عنوان سیاست‌گذاری به عنوان عوامل مؤثر در توسعه کارآفرینی در شرکت‌های خدمات مشاوره‌ای، فنی و مهندسی استان زنجان نام‌گذاری کرده‌اند.

مسائل مربوط به پهنه‌بندی به عنوان سومین عامل از موانع کارآفرین در شرکت‌هایی خدمات مشاوره‌ای شامل متغیرهای وجود پهنه‌بندی، عدم رعایت عدالت در واگذاری پهنه‌ها و تغییرات مکرر در پهنه‌بندی بود. اهمیت این مسأله بیشتر ناشی از آن است که وجود پهنه‌بندی یعنی محدود کردن هر شرکت به محدوده‌ی جغرافیایی خاص مسأله‌ای ضد رقابت است و باعث عدم باروری بسیاری از ایده‌ها و نوآوری‌های شرکت‌ها در ارائه خدمات، تمهیدات بازاریابی مانند تمرکز بر مشتریانی خاص با ویژگی‌های همگن از نظر ارائه خدمات یا محصولات و ... می‌شود. که این مسأله از جمله مسائل خاص شرکت‌ها می‌باشد که باید به طور جدی از سوی برنامه‌ریزان و مسئولان مورد توجه قرار گیرد. گویه‌های مربوط به این مسائل از مصاحبه‌های انجام شده با مدیران عامل شرکت‌ها به دست آمد که در پژوهش‌ها مورد توجه قرار نگرفته بود.

عامل چهارم یعنی مسائل خاص کشاورزی شامل مواردی همچون بها ندادن به بخش کشاورزی، بی‌ثباتی در سیاست‌های کشور در مورد بخش کشاورزی، نوسانات قیمت در بخش کشاورزی، عدم وجود امنیت برای سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی بود. اهمیت این عامل از نظر اعضای شرکت‌ها از این نظر است که از طرفی فعالیت این شرکت‌ها در بخش

مهم‌ترین عامل آموزشی بیشترین واریانس را به خود اختصاص داد.

عامل محیط کسب و کار دومین عامل بود که متغیرهایی مانند مقررات دست و پاگیر اخذ وام‌های بانکی، ضعف نظام بیمه محصولات کشاورزی، محدودیت‌های قانون کار، کمبود نقدینگی و نداشتن سرمایه کافی، عدم حمایت بانک‌ها و موسسات مالی از شرکت‌ها را در خود جای داده است. متغیر مرتبط با قوانین و مقررات بانکی و اخذ وام و اعتبارت به وسیله پژوهش‌های انجام شده توسط (Shurry, et Bitzenis and Nito, 2005; Escalante al., 2001 and Turvey, 2006; Fogel et al, 2005; Acemoghlu et al, 2003; Di Gregorio and Shane, 2002) و لامعی (۱۳۸۵) به عنوان مانع توسعه کارآفرینی مورد تأکید قرار گرفته است، همچنین مسائل مرتبط با قانون کار به وسیله لامعی (۱۳۸۵) و Martins (2004) مطرح شده است. مرادنژادی و همکاران (۱۳۸۶) متغیرهای مشابهی یعنی مقررات دست و پاگیر اخذ وام، عدم امنیت برای سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی، محدودیت‌های قوانین کار، ضعف نظام بیمه‌ای محصولات گلخانه‌ای را همراه با برخی متغیرهای دیگر به عنوان عامل سیاست‌گذاری از جمله موانع توسعه کارآفرینی در واحدهای تولیدی گلخانه‌ای در ایران گزارش کرده‌اند و نتایج تحقیق رضایی و همکاران (۱۳۹۰) برخی از این متغیرها یعنی نبود سیاست‌های دولتی مناسب در بخش کشاورزی برای حمایت از توسعه کارآفرینی در شرکت‌ها، حمایت نکردن بانک‌ها و دیگر موسسات مالی از شرکت‌ها، محدودیت شرکت‌ها در دسترسی به اعتبارات و خدمات حمایتی، موانع قانونی و محدودیت‌های موجود در قانون کار، نبود امنیت لازم برای سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی، نبود امنیت اقتصادی لازم در بخش کشاورزی برای گسترش و توسعه فعالیت شرکت‌ها را تحت عنوان

نظارت کارشناسان جهاد کشاورزی، دخالت کارمندان جهاد کشاورزی در امور شرکت‌ها تشکیل می‌شد. این عامل چون خاص شرکت‌های خدمات مشاوره‌ای بود و ناظر به نقش سازمان‌هایی است که مستقیماً با این شرکت‌ها در ارتباط هستند؛ دارای اهمیت زیادی است. در حقیقت عملکرد این شرکت‌ها و از جمله فعالیت‌های کارآفرینانه آنها تا حد زیادی بستگی به چگونگی همکاری و تعامل این سازمان‌ها دارد. مارتینس (۲۰۰۴) نیز یکی از موانع کارآفرینی در شرکت‌های کوچک تجاری را موانع نظارتی از جمله نظارت‌های سختگیرانه در رابطه با صدور مجوزها، و نحوه نظارت بر شرکت‌ها گزارش کرده است. در این زمینه، نبود استانداردهای مشخص در نظارت شرکت‌ها نیز به وسیله (Fogel et al, 2005; Acemoglu et al, 2003; Di Gregorio and Shane, 2002) گزارش شده است. گویه‌های این عامل از بررسی ساختار شبکه خدمات مشاوره‌ای، مشاهدات عینی و مصاحبه با مدیران عامل شرکت‌ها و دیگر مطلعان به‌دست آمده بود و در دیگر پژوهش‌های انجام شده درباره این شرکت‌ها در ایران مورد توجه قرار نگرفته بود.

عامل ششم یعنی مسائل مربوط به اعضاء شامل مواردی مانند: عدم تفاهم و همدلی اعضاء شرکت‌ها، عدم همگنی اعضاء از نظر جنسیت، عدم انتخاب مناسب اعضاء بود. در پژوهش‌های متعددی دشواری در تشکیل تیمی از افراد برای راه‌اندازی واحدهای کسب و کار که از نظر مالی، روحیه، اخلاق و ... همگن باشند، از موانع اصلی توسعه کارآفرینی در شرکت‌های کسب و کار کوچک و تازه تأسیس برشمرده شده است (Fogel et al, 2005; Acemoglu et al, 2003; Di Gregorio and Shane, 2002). مسائل مربوط به اعضا در پژوهش

کشاورزی انجام می‌شود و از طرفی بخش کشاورزی دارای ویژگی‌های خاصی است که آن را از بخش خدمات و بازرگانی متمایز می‌کند و بر فعالیت‌های کارآفرینانه تا حد زیادی موثر است. به طور خلاصه بخش کشاورزی دارای مخاطرات خاص خود است که می‌تواند تصمیم‌گیری‌های اقتصادی افراد را تحت تأثیر قرار دهد. در این زمینه در پژوهش‌های پیشین مورد بررسی (Escalante and Turvey (2006 درباره موانع رشد کارآفرینی در شرکت‌های تجاری کشاورزی کوچک به بی‌میلی کارآفرینان برای سرمایه‌گذاری در مناطق روستایی و عدم وجود امنیت برای سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی اشاره کرده‌اند. همچنین نوسانات شدید قیمت‌ها در بخش‌های مختلف از موانع توسعه کارآفرینی در شرکت‌های کسب و کار کوچک و تازه تأسیس شده گزارش شده است (Fogel et al, 2005; Acemoglu et al, 2003; Di Gregorio and Shane, 2002). در پژوهش انجام شده به وسیله احمدپور و همکاران (۱۳۹۰)، نوسان‌های بخش کشاورزی در ذیل عامل سیاست‌گذاری دسته‌بندی شده است. رضایی و همکاران متغیرهای نبود سیاست‌های دولتی مناسب در بخش کشاورزی برای حمایت از توسعه کارآفرینی در شرکت‌ها، نبود امنیت لازم برای سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی و نبود امنیت اقتصادی لازم در بخش کشاورزی برای گسترش و توسعه فعالیت شرکت‌ها را به‌همراه برخی دیگر متغیرها تحت عنوان عامل محیطی نامگذاری کردند.

بر اساس تحلیل عاملی مسائل مربوط به سازمان‌های نظارت‌کننده عامل پنجم مانع کارآفرینی در شرکت‌های خدمات مشاوره‌ای را تشکیل داد که از متغیرهای عدم تعیین تعرفه‌های مناسب خدمات از سوی نظام مهندسی نسبت به دیگر بخش‌ها، نحوه

استان اصفهان می‌تواند به آموزش اعضای شرکت‌ها در زمینه روش‌های گوناگون تأمین مالی اقدام کند تا شرکت‌ها بخشی از نیاز خود به منابع مالی را از طریق دیگر روش‌های تأمین مالی برطرف کنند. همچنین توجه کافی به بخش کشاورزی و ایجاد امنیت برای سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی مسائلی هستند که باید در سیاست‌های کلان کشور مورد توجه قرار گیرند. اما سازمان نظام مهندسی و منابع طبیعی کشور و همچنین دیگر سازمان‌های غیر دولتی بخش کشاورزی مانند خانه کشاورز، تعاونی‌ها و اتحادیه‌های گوناگونی که در این بخش وجود دارند باید ارتقای جایگاه بخش کشاورزی در نزد مسئولان کلیدی مانند دولت‌مردان و نمایندگان مجلس و همچنین آحاد مردم را یکی از وظایف و مأموریت‌های خود بدانند و در این زمینه تلاش کنند. بهبود جایگاه کشاورزی در نزد مردم و مسئولان و درک اهمیت آن از سوی آنان باعث افزایش حمایت‌های سیاسی و اقتصادی آنان از این بخش و از جمله افزایش اختصاص بودجه و سرمایه دولتی به آن می‌شود. در نتیجه سرمایه‌گذاری بخش دولتی و خصوصی در این بخش افزایش می‌یابد. این مسأله باعث بهبود محیط کسب و کار در این بخش و تسهیل کارآفرینی در آن و از جمله در شرکت‌های مورد بررسی می‌شود.

باتوجه به ضعف شرکت‌های خدمات مشاوره‌ای در زمینه‌های تخصصی و همچنین عدم تناسب دروس دانشگاهی با نیازهای بازار کار، آموزش‌های کوتاه مدت تخصصی پیشرفته با استفاده از مجموعه توان آموزشی و تحقیقاتی سازمان جهاد کشاورزی استان یا امکانات وزارت جهاد کشاورزی استان‌های دیگر که در مراکز آموزشی و یا تحقیقاتی و حتی بخش‌های اجرایی وجود دارند می‌تواند بسیار مفید باشد. این دوره‌ها باید بر اساس نیازسجی از خود کارشناسان شرکت‌ها طراحی و اجرا شوند.

رضایی و همکاران (۱۳۹۰) تحت عنوان عامل روان‌شناختی دسته‌بندی شده است.

در مجموع افزوده اصلی این پژوهش به ادبیات مرتبط با کارآفرینی در شرکت‌های خدمات مشاوره‌ای فنی و مهندسی، طرح مسائلی مربوط به پهنه‌بندی و سازمان‌های نظارت‌کننده است. پژوهش‌های آینده می‌تواند به این ابعاد به طور عمیق‌تر و یا در دیگر بخش‌های کشور بپردازد. با توجه به این که این متغیرها قبلاً مورد توجه نبوده‌اند؛ پژوهش‌های کیفی می‌تواند به افزایش دانش موجود در این زمینه کمک بیشتری بکند.

رشته تحصیلی همه اعضای شرکت‌ها، کشاورزی بود و دانشجویان کشاورزی در طول تحصیل کم‌تر با مباحث مدیریتی و کسب و کار آشنا می‌شوند. همچنین میزان آشنایی اعضای شرکت‌ها با اصول و مفاهیم کارآفرینی در حد متوسط بود. بنابراین پیشنهاد می‌شود نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی استان اصفهان و استان‌های دیگر بخشی از آموزش‌های خود را به مباحث کاربردی مدیریت و کسب و کار مانند بازاریابی، نوشتن طرح کسب و کار و آشنایی با اصول کارآفرینی سوق دهند.

بر اساس اولویت‌بندی موانع توسعه کارآفرینی در شرکت‌های خدمات مشاوره‌ای، فنی و مهندسی کشاورزی در استان اصفهان، گویه‌های «مقررات دست و پاگیر اخذ وام‌های بانکی»، «کمبود نقدینگی و نداشتن سرمایه کافی»، «عدم وجود امنیت برای سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی» و «بها ندادن به بخش کشاورزی» به ترتیب در بالاترین اولویت‌ها قرار گرفتند. بنابراین پیشنهاد می‌شود با هماهنگی بین وزارت جهاد کشاورزی، نظام مهندسی و نظام بانکی کشور به خصوص بانک کشاورزی زمینه اعطای تسهیلات با بهره مناسب به بخش کشاورزی فراهم شود. همچنین نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی

خصوصی) و جهاد کشاورزی (به عنوان بخش دولتی) مسائل نهادی جدیدی را به وجود آورده است. به عنوان نمونه ممکن است کارمندان جهاد کشاورزی نتوانند به درستی اقتضائات فعالیت بخش خصوصی را درک کنند. بنابراین مدیریت جهاد کشاورزی شهرستان‌ها باید به نحوه تعامل کارمندان خود با شرکت‌های خدمات مشاوره‌ای، فنی و مهندسی کشاورزی توجه لازم را داشته باشند و در صورت نیاز اصلاحات یا اقدامات لازم را انجام دهند. در سطح بالاتر سازمان جهاد کشاورزی استان باید آموزش‌های لازم را در این زمینه دست کم به کارمندانی که با شرکت‌های خدمات مشاوره‌ای، فنی و مهندسی کشاورزی در ارتباط هستند ارائه کنند.

همچنین پیشنهاد می‌شود که نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی نسبت به بازبینی تعرفه‌های خدمات فنی و مهندسی در بخش کشاورزی اقدام کند. در این زمینه مشورت با شرکت‌های خدمات مشاوره‌ای، فنی و مهندسی می‌تواند زمینه گرفتن تصمیمات بهتر و افزایش رضایت این شرکت‌ها شود. همچنین با توجه به «ضعف تشکلهای اتحادیه‌های مرتبط با شرکت‌های خدمات مشاوره‌ای» و سابقه نه چندان زیاد شرکت‌های مورد بررسی تقویت انجمن صنفی شرکت‌های خدمات مشاوره‌ای، فنی و مهندسی می‌تواند در شناسایی و رفع موانع کارآفرینی در این شرکت‌ها. به ویژه در مواردی که این موانع با نظام مهندسی منابع طبیعی و کشاورزی و یا سازمان جهاد کشاورزی مرتبط است؛ مؤثر باشد.

از سوی دیگر با در نظر گرفتن تغییرات زیادی که در بازار کار رشته‌های کشاورزی به وجود آمده است از جمله اشتغال به کار بخش قابل توجهی از دانش‌آموختگان کشاورزی در شرکت‌های مورد مطالعه، دانشکده‌ها و دانشگاه‌های کشاورزی باید نسبت به بازبینی سرفصل‌های رشته‌های مختلف کشاورزی اقدام کنند تا دانش‌آموختگان توانایی کار در شرایط اشتغال جدید از جمله خوداشتغالی و کارآفرینی در شرکت‌های مورد بررسی را به‌طور انعطاف‌پذیری داشته باشند.

«محدودیت‌های قانون کار»، «ضعف نظام بیمه محصولات کشاورزی» و «نوسانات قیمت در بخش کشاورزی» از موانع مهم توسعه کارآفرینی در شرکت‌های خدمات کشاورزی بوده‌اند.

همچنین با توجه به تجاربی که پس از گذشت چند سال از تأسیس شرکت‌های خدمات فنی، مهندسی و مشاوره‌ای به دست آمده است بهتر است جهت ایجاد رقابت بین شرکت‌ها پهنه‌بندی حذف شود و کشاورزان خود تصمیم بگیرند که از چه شرکتی خدمات مورد نیاز خود را دریافت کنند و یا دست کم نسبت واگذاری پهنه‌ها به شرکت‌ها اقدام شود و سعی شود در تعیین پهنه شرکت‌ها عدالت رعایت شود.

همچنین پس از ظهور شرکت‌های خدمات مشاوره‌ای، فنی و مهندسی کشاورزی به عنوان کارگزارانی که قرار بود برخی از وظایف جهاد کشاورزی را انجام دهند؛ تعامل این شرکت‌ها (بخش

منابع

۱. احمدپورداریانی، م.، نیک‌بین، ح. و کریمی، آ. ۱۳۹۰. عوامل مؤثر بر توسعه کارآفرینی در شرکت‌های خدمات مشاوره‌ای فنی و مهندسی کشاورزی استان زنجان، تحقیقات و اقتصاد توسعه‌ی کشاورزی ایران، ۲-۴۲(۴): ۵۳۵-

۲. پارساپور، س.، براتی، ج. و رسولزاده، م. ۱۳۹۶. عوامل اثرگذار بر پایداری بنگاه‌های کوچک و کارآفرین مورد مطالعه: بنگاه‌های صنعتی شهرستان مشهد، توسعه کارآفرینی، ۱۰(۱): ۶۰-۴۱.
۳. رضایی، روح‌الله، قلی‌فر، ا. و صفا، ل. ۱۳۹۰. موانع توسعه کارآفرینی در تعاونی‌های دهیاری استان زنجان. اولین همایش دانش محوری در مدیریت پایدار علوم کشاورزی و منابع طبیعی. دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان. ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۰.
۴. رضایی، ر.، قلی‌فر، ا.، صفا، ل. و کاظمی تربفان، م. ۱۳۹۰. شناسایی موانع توسعه کارآفرینی شرکتی در شرکت‌های خدمات مشاوره‌ای، فنی و مهندسی کشاورزی استان زنجان، توسعه کارآفرینی ۴(۱۴): ۲۷-۴۶.
۵. غلامی، ح. ا.، قلی‌فر، ا.، قاسمی، ج. و بقایی، م. ۱۳۹۱. بررسی راهکارهای توسعه کارآفرینی در شرکت‌های خدمات مشاوره‌ای، فنی و مهندسی کشاورزی استان اصفهان، تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران، ۴(۴۳): ۷۱۳-۷۰۵.
۶. شادمانی، ک. و کرمی، س. ۱۳۸۹. بررسی موانع کارآفرینی سازمانی در شرکت‌های دولتی و ارایه راهکارهایی جهت رفع آنها. اولین کنفرانس سالانه مدیریت، نوآوری و کارآفرینی، ۲۷ و ۲۸ بهمن ۱۳۹۰، شیراز، ۱۰۷-۱۲۱.
۷. صادق نژاد، ن. ۱۳۸۸. اندازه‌گیری میزان کارآفرینی شرکتی و بررسی موانع آن در شرکت مینا. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران.
۸. لامعی، ب. ۱۳۸۵. موانع قانونی رشد کارآفرینی در صنایع کوچک ایران، سایت مرکز توسعه کارآفرینی در ایران. <http://vista.ir/article> (بازیابی از اینترنت بهار ۱۳۹۶)
۹. مرادنژادی، ه.، شعبانعلی فمی، ح.، ایروانی، ه.، حسینی، س.م. و کافی، م. ۱۳۸۶. تحلیل موانع توسعه کارآفرینی در واحدهای تولیدی گلخانه‌ای در ایران. مجله علوم کشاورزی ایران، ۲، ۱۸۴-۱۷۵.
۱۰. ابراهیمی، ا.، اسلامی، ع.، امیری، ح.، جهانپناه، ب.، حسینی، س.ن.، داداش‌پور، ع.ا.، ذبیحی طاری، غفاری، ج. مقصدلو، ق. کاراندیش، م. مهدیدوست، ح. و پاک‌نظر، ف. (۱۳۸۷). برنامه عملیاتی استقرار شبکه شرکت‌های خدمات مشاوره‌ای، فنی و مهندسی کشاورزی. چاپ اول. سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی. تهران.
11. Acemoglu, D., Johnson, S., Robinson, J and Thaicharoen, Y. 2003. "Institutional Causes, Macroeconomic Symptoms: Volatility, Crises, and Growth," *Journal of Monetary Economics*, 50 (2): 49-123.
12. Baptista, R., Escária, V., and Madruga, P., 2005. *Entrepreneurship, Regional Development and Job Creation: The Case of Portugal*, Max Planck Institute of Economics.
13. Bitzenis, A., and Nito, E. 2005. "Obstacles to Entrepreneurship in a Transition Business Environment: The Case of Albania". *Journal of Small Business and Enterprise Development*, 12 (4): 564-578.
14. Commission of the European Communities, 2004. Employment and Productivity and their Contribution to Economic Growth, Commission Staff Working Paper, sec 690, Brussels 28-5-2004.
15. Di Gregorio, D and Shane, S. 2002. "Why do Some Universities Generate More Startups Than Others?" *Research Policy*. 32(2) 209-227.
16. Djankov, S., La Porta R., Lopez-de-Silanes, F., and Shleifer A. 2002. *The Regulation of Entry*, *The Quarterly Journal of Economics*, 117, 1-37.
17. Drabentstott, M., Novack, N., and Abraham, B. 2003. *Main Streets of Tomorrow: Growing and Financing Rural Entrepreneurs— A Conference Study*" Economic Review Federal Reserve Bank of Kansas City, Third Quarter 88(3): 73-84.

18. Escalante, C., and Turvey, C. 2006. *Innovation and entrepreneurship in rural communities: Early business survival challenges for the entrepreneur*. Sothern Agricultural Economics Association Annual Meetings, Orlando, Florida. Pp: 4-17.
19. Fadahunsi, A. 1996. *Indigenous entrepreneurship and cross-border trade in Western Nigeria, Educating Entrepreneurs in Modernising Economies*, Aldershot: Avebury.
20. Fogel, K., Hawk, A., Morck, R., and Yeung, B. 2005. *Institutional obstacles to entrepreneurship*. Oxford Handbook of Entrepreneurship, Oxford University, England.
21. Georgiou, M.N. 2006. *Does Entrepreneurship Create Enough Jobs in Europe? A Note*, Max Planck Institute of Economics, Discussion paper #0806, Jena, Germany.
22. Gersbach, H. 1999. *Product market competition, Unemployment and Income disparities*, Review of World Economics, Volume 135, Number 2, June, 221- 240.
23. Gibb, A. 1993. *Small business development in Central and Eastern Europe opportunity for a rethink? Journal of Business Venturing* Vol. 8 (6): 461-486.
24. Haasbrock, D. 1996. *Entrepreneurship training for the informal sector in South Africa*, Educating Entrepreneurs in Modernising Economies, Aldershot: Avebury.
25. Hannon, P. 2007. *Enterprise for all? The fragility of enterprise provision across England's HEIs*. Journal of Small Business and Enterprise Development, 14 (2): 183-210.
26. Hansemark, Ove C. 1998. *The Effects of an Entrepreneurship Program on Need for Achievement and Locus of Control of Reinforcement*. International Journal Entrepreneurial Behavior and Research, 4 (1).
27. Holden, R., Jameson, S., and Walmsley, A. 2007. *New graduate employment within SMEs: still in the dark? Journal of Small Business and Enterprise Development*, 14 (2): 211-227.
28. Holt, D. 2002. *Entrepreneurship: New Venture Creation*. New Delhi: Prentice-Hall.
29. Hughes, A. 2003. *Green Paper: Entrepreneurship in Europe*. Commission of the European Communities. Brussels. Pp: 7-15.
30. Khanka, S. 2003. *Entrepreneurial development*, New Delhi, Chand and Company LTO, P 449.
31. King, K. 1996. *JuaKali, Kenya, Change and Development in an Informal Economy*, London/Nairobi: James Currey.
32. Krasniqi, B. 2007. *Barriers to entrepreneurship and SMEs growth in transition: The case of Kosova*. Journal of Developmental Entrepreneurship. 12 (1): 37-55.
33. Laporta, R., Lopez-de-silanes, F., and Zamarripa, G. 2003. "Related Lending," *Quarterly Journal of Economics*, 118(1): 231-268.
34. Martins, S. 2004. *Barriers to entrepreneurship and business creation*. European Entrepreneurship cooperation publication., Pp: 18-20.
35. Michaelis, C., Smith, K., and Richards, S. 2001. *Regular Survey of Small Business Opinions: First Survey – Final Report, Data Build*, Birmingham.
36. Moghimi, M. 2007. *Corporate entrepreneurship: Obstacles and alternatives (The Case of Industrial Corporations in Iran)*, "Journal of Entrepreneurship Research", Vol. 1, No. 2, Pp: 87-119.
37. Rasouliazar1, S., Hosseini, S.M., Farajollah Hosseini, S.J., and Mirdamadi, S.M. 2011. *The Investigation perception of Agricultural Extension Agents about affective factors on effectiveness of Agricultural Advisory Services Companies in Iran*. J. Amer. Sci., 7(2): 445-451.
38. Rosa, P. 1994. *The Long Term Supply of Graduate Entrepreneurs: Insights from a Scottish Study*. Report to the New Ventures Team, Scotland Business Birthrate Campaign, Scottish Enterprise, 1-35.
39. Rosa, P., Jayatilaka, W., and Kodithuwakku, S. 1997. "A potential supply of university educated agribusiness entrepreneurs: a Sri Lankan perspective", Proceedings of the 42nd ICSB conference, June 21-24, San Francisco, USA.
40. Shurry, J., Lomax, S., and Vyakratnam, S. 2001. *Household Survey of Entrepreneurship*, IFF Research, London.

41. Sowmaya, D.V. 2009. Relevance of education for potential entrepreneurs: an international investigation. *Journal of Small Business and Enterprise Development*, 17(4): 626-640.
42. Thornberry, N. 2002. Corporate entrepreneurship: Teaching managers to be entrepreneurs, "Journal of Management to Development", Vol. 22, No. 4, Pp: 55-71.



Gorgan University of Agricultural
Sciences and Natural Resources

Journal of Entrepreneurship in Agriculture Vol. 4(4), 2018

<http://jead.gau.ac.ir>

DOI: 10.22069/JEAD.2018.13865.1282

Entrepreneurship Development Barriers in Isfahan Province Agricultural Engineering, Technical and Consulting Companies: Members' viewpoints

***H. Gholami¹ and E. Gholifar²**

¹Asistant Prof., Agricultural Research, Education and Extension Organization, Tehran, Iran,

²Ph.D. Graduate in Agricultural Extension and Education

Received: 21/8/2017; Accepted: 11/1/2018

Abstract

While Agricultural engineering, technical and consulting companies have been purposed as a mechanism for developing agriculture sector and increasing employment opportunities for agricultural graduates; providing sustainable qualitative services for farmers and income for their members is dependent on their competitiveness and so developing entrepreneurship in them. Thus, this study was conducted to examine the entrepreneurship development barriers in Isfahan province Agricultural engineering, technical and consulting companies. Using a two-stage sampling method, 102 people were selected from 500 organization members. Data was collected through a questionnaire the validity of which was confirmed by a panel of experts. The reliability of the study was assessed through Cronbach's-Alpha which was 0.89. Findings revealed that, the instability in policies on agricultural sector, loan taking out cumbersome laws, lack of capital and cash flow, lack of security for investing in agricultural sector and lack of attention to agriculture sector by government were most important variables. Factor analysis categorized the examined variables in seven factors including: educational, business environment, zoning problems, agricultural specific barriers, monitoring organizations' obstacles and problems related to members' factors.

Keywords: Agricultural engineering, Technical and consulting companies, Entrepreneurship development, Barriers, Isfahan, Agricultural graduates

*Corresponding author: haghholami@ut.ac.ir

